

پیشوندها و اجزاء منفی‌ساز برخی از واژه‌های زبان روسی

مریم شفقی*

مربی دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۸۵/۰۷/۰۳، تاریخ تصویب: ۸۵/۱۰/۲۳)

چکیده

وندهای منفی‌ساز از جمله عناصر زبانی‌اند که در نظام واژه‌سازی کاربردی گسترده دارند. نقش و نوع هر یک از این وندها از سایرین متفاوتند. برای مثال وند -HC در ترکیب با ضمائر و قیود، جملات بدون شخص می‌سازد که در آن از شکل مصدری فعل استفاده می‌شود، در حالی که جزء -HI در ترکیب با ضمائر و قیود، جملات فاعلی می‌آفریند. تفاوت معنایی حاصله از اتصال پیشوندهای منفی‌ساز مختلف به ریشه یکسان و ترکیب‌پذیری هر یک از کلمات ایجاد شده با کلمات مشخص، از دیگر ویژگی‌های وندهای منفی‌ساز است.

واژه‌های کلیدی: جزء منفی‌ساز، وند، جملات بی‌شخص، واژه‌سازی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

زبان نظامی زنده و متحرک است، که همراه با تغییرات تاریخی و رشد فکری مردمی که بدان گویش می‌کنند، تغییر می‌یابد. یکی از پیچیده‌ترین پروسه‌هایی که در زبان اتفاق می‌افتد واژه‌سازی است. معنای لغوی کلمه مشتق، نتیجه تأثیر متقابل معنایی واژه مبنا (کلمه جامد) و وندهای واژه‌ساز است. میان کلمات مشتق و جامد روابط ساختاری و معنایی وجود دارد و تنها بر اساس این روابط است که موجودیت کلمات مشتق در زبان شکل می‌گیرد (کاساتکینا، ۴۵۳).

واژه‌سازی، همانند بخشی از زبان‌شناسی، از سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۴۰ پایه‌گذاری شد. در پایه‌ریزی این بخش مهم زبان‌شناسی، وینوگرادوف، وینوکور، اسمیرنیتسکی با آثار و کتاب‌های خود مطالب ارزنده‌ای ارائه کرده‌اند. در سال‌های یاد شده، نظریه واژه‌سازی، جایگاه واژه‌سازی در زبان‌شناسی، چگونگی ساخت واژه‌های نو و جدید، تقسیم یک واژه به اجزاء کوچک‌تر تجزیه و بررسی شد. در سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۶۰ واژه‌سازی پیشرفت بسیار زیادی کرد. اواخر قرن نوزده، اوائل سده بیستم زبان‌شناسان معروفی چون بوردون، دکورتنه، فارتوناتوف و دیگران در آثار خود کتاب‌های درسی دبستانی را به باد انتقاد گرفتند، زیرا در این آثار اشتباهات فاحشی به چشم می‌خورد. در این کتاب‌های درسی واژه дерево (درخت) و деревня (ده، روستا) را هم خانواده تشخیص داده بودند.

بحث و بررسی

پیشوندهای منفی‌ساز به آن دسته وندهایی اطلاق می‌شود که معنای واژگانی وند ریشه را نفی می‌کنند، اینها عبارتند از -без\бес-، -не- و -ни-. با وجود تشابه معنایی نفی در وندهای نامبرده، لزوماً با پیوند آنها به ریشه‌های یکسان، جفت مترادف ساخته نمی‌شود. شرایط و عوامل مختلف معنایی، صرفی و نحوی می‌تواند بر کاربرد پیشوندهای فوق تأثیرگذار باشد، برای مثال کلمات неграмотный و безграмотный به معنای «بی‌سواد» که به کمک وندهای -без\бес- و -не- ساخته شده‌اند، کاملاً هم‌معنی و مترادف‌اند، در صورتی که صفت сознательный در ترکیب با همان پیشوندها، دو کلمه با معانی مختلف бессознательный (بی‌هوش، غیرارادی، بی‌اختیار)، неосознательный (ناآگاه، بی‌شعور) می‌سازد.

Неграмотный (безграмотный) слой общества составляет незначительную часть населения страны.

قشر بی‌سواد جامعه بخش ناچیزی از جمعیت کشور را به خود اختصاص می‌دهد.

Он ведет себя как несознательный ребенок.

او مثل یک کودک ناآگاه (نادان) رفتار می‌کند.

Саша лежала в постели в бессознательном состоянии.

ساشا بی‌هوش در رختخواب افتاده بود.

برخی کلمات با اتصال без-\бес- و без- تقابل و تضاد معنایی با کلمه مبنا می‌یابند، به عبارت دیگر جفت متضاد خود را می‌سازند. این توانمندی یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین نقش‌های این گونه پیشوندها در نظام واژه‌سازی است، به این معنا که این پیشوند در ترکیب با اسم، صفت و قید، با شکل مثبت واژه، یعنی شکل فاقد جزء منفی ساز، جفت متضاد می‌سازد: надёжно (مطمئن) ← безнадёжно (نامطمئن) порядок (نظم) ← беспорядок (بی‌نظمی) застенчивый (کم‌رو، خجالتی) ← беззастенчивый (بی‌شرم، بی‌حیا) облачный (ابری) ← безоблачный (بی‌ابر).

С ее помощью достигается настоящий порядок в офисе.

به کمک اوست که در شرکت نظم واقعی برقرار می‌شود.

На заводе царит беспорядок.

بی‌نظمی در کارخانه غوغا می‌کند.

وند без-\бес- در ترکیب با برخی کلمات، واژه‌هایی نو با معنای لغوی جدید می‌سازد: защитный (دفاعی) و беззащитный (بی‌دفاع، بی‌پناه) личный (شخصی، فردی)، безличный (بی‌شخصیت).

پیشوند без-\бес- در ترکیب با برخی کلمات، می‌تواند مقدار و کمیت معنای لغوی ریشه واژه را مشخص نماید، مانند людный (پرجمعیت) و безлюдный (کم‌جمعیت)، که اولی بر زیاد بودن و دومی بر کم بودن تعداد آنچه که در ریشه آمده است، یعنی «انسان» دلالت دارد. همین موضوع درباره کلمه волосатый به معنای «پرمو» و کلمه безволосый به معنای «بی‌مو» صدق می‌کند.

پیوند پیشوند без-\бес- به برخی واژه‌ها، موجب ایجاد پدیده چندمعنایی می‌شود. درباره این دسته واژگان، یکی از معانی با کلمه مبنا جفت متضاد و دیگری کلمه‌ای نو با معنای جدید

می‌سازد، مانند денежный و безденежный که می‌توان دو معنای زیر را برای آنها قائل شد:
 ۱- ساخت جفت متضاد: денежные доходы (درآمدهای نقدی) و безденежные доходы (درآمدهای غیرنقدی).

۲- ساخت کلمات با معانی مختلف:

- денежный (پول، پولی): денежное обращение (گردش پولی)؛

- безденежный (بی‌پول): безденежный юноша (جوان بی‌پول).

همان‌گونه که گفته شد، پیشوندهای منفی ساز -без\бес- و -не- به طور گسترده‌ای در ساخت شکل منفی و جفت‌های متضاد به کار می‌روند. دربارهٔ پاره‌ای از لغات، فقط -не- و -бес- و در زمینهٔ پاره‌ای دیگر -не- و در مورد برخی دیگر، هر دو -не- و -бес- ریشه استفاده می‌شوند.

действие (کار، عمل، اقدام) → бездействие (عدم فعالیت)؛

похожий (شبیبه) → непохожий (غیر شبیبه)؛

порядочный (نامرتب، نامنظم) → беспорядочный (درستکار، خوب)؛

→ непорядочный (بی‌شرف).

دربارهٔ آن دسته از کلماتی که به کمک دو پیشوند مختلف می‌توان از آنها شکل منفی ساخت، باید توجه داشته باشیم که این واژه‌های نو، هرچند از نظر معنایی دارای معانی بسیار نزدیک به یکدیگرند، اما نمی‌توان آن دو را مترادف و هم معنی خواند. برای مثال صفت безвкусный به معنای «بی‌مزه» و невкусный به معنای «بدمزه» که هر دو آنها از شکل مثبت вкусный به معنای «بامزه»، «خوش مزه» ساخته شده‌اند.

علی‌رغم تفاوت معنایی، کلماتی که به این ترتیب ساخته می‌شوند، در برخی ترکیب کلمه‌ها (словосочетание) می‌توانند مترادف گردند، برای مثال هر چند безграничный به معنای «بی‌حد و مرز» و неограниченный به معنای «نامحدود» عموماً در ترکیب با کلمات متفاوتی به کار می‌روند، اما همین کلمات، در ترکیب با واژه‌های ресурсы (منابع)، запасы (ذخایر) و возможности (امکانات) بدون ایجاد خدشه در معنای لغوی، ترکیب کلمات دارای معانی کاملاً مترادف می‌سازند. (دیریاگینا، ۱۷۹)

безграничное море

неограниченное море ; دریای بی‌کران

неограниченное время ; ~~безграничное время~~ ; زمان نامحدود
безграничные ресурсы منابع بی‌پایان، منابع نامحدود
неграничные ресурсы منابع بی‌پایان، منابع نامحدود

برخی از این صفات نیز در دائمی بودن و یا دائمی نبودن معنای ریشه تفاوت دارند، برای مثال *неспокойный* و *беспокойный*، که اولی به معنای کسی و یا چیزی که همیشه و همواره آشفته، نگران و ناراحت است، اشاره دارد و دومی دلالت بر کسی و یا چیزی دارد که در حال حاضر دچار حالت آشفتگی، ناراحتی و نگرانی شده است.

از جمله دشواری‌های پیشوند منفی ساز *не-* باید به املاء و نوشتار این جزء زبانی اشاره کرد. با توجه به عوامل مختلفی، که در زیر به آنها پرداخته خواهد شد، جزء *не-* در پاره‌ای موارد به صورت متصل و در پاره‌ای به صورت منفصل با ریشه نوشته می‌شود که در صورت اول آن را پیشوند و در صورت دوم آن را جزء منفی ساز (*отрицательная частица*) می‌خوانند.

پیشوند منفی ساز *не-* در ترکیب با اسامی، صفات و قیدهایی، که شکل مترادف آن‌ها به کمک ریشه کاملاً متفاوت (*супплетивизм*) ساخته می‌شود، به صورت متصل نوشته می‌شود:

несчастье (بدبختی) → *беда* (بدبختی);

невысокий (کوتاه) → *низкий* (کوتاه);

недешево (گران) → *дорого* (گران).

جزء منفی ساز *не-* در قیدهایی فعلی (*деепричастие*) و صفات فعلی (*причастие*) به

صورت متصل نوشته می‌شود:

Невзирая на возраст, он ходил на лыжах.

او بدون توجه به سن و سالش، اسکی بازی می‌کرد.

Книга осталась некупленной.

کتاب همچنان به فروش نرفته است.

не- با ضمائر و قیدهایی که به کمک این جزء منفی می‌شوند به صورت متصل نوشته

می‌شود، مانند: *некого* (هیچ کس ... نیست)، *негде* (هیچ جا ... نیست). در صورت صرف

کلماتی که بدین ترتیب ساخته می‌شوند، پیشوند منفی ساز از واژه مینا جدا شده و به صورت

مستقل در می‌آید. در این حالت حرف اضافه، بین جزء منفی ساز و واژه اصلی قرار می‌گیرد: *не*

с кем (با هیچ کس)، *не за что* (به هیچ خاطر)، *не про кого* (درباره هیچ کس)، *не о чём*

(درباره هیچ چیز).

ضمایر و قیدهای منفی که به کمک پیشوند *не* ساخته می‌شوند، در ساختارهای جملات تک جزئی بدون شخص (односоставные безличные предложения) به کار می‌روند. فاعل منطقی این جملات در حالت صرفی غیر از حالت فاعلی (حالت به‌ای) – *дательный падеж* قرار می‌گیرد. این وند بر ساختار نحوی فعل نیز تأثیر گذاشته و بعد از این ضمایر و قیدهای منفی، فعل به صورت مصدری و بدون جزء منفی‌ساز می‌آید. از نظر معنایی، قیدها و ضمیرهایی که به این شکل ساخته می‌شوند، بر عدم امکان انجام عمل به علت نبودن مکان، زمان، و یا هدف تأکید دارند. (الخوا، ۳۹)

Негде останоситься. جایی برای توقف وجود ندارد.

Нечего делать. کاری برای انجام دادن وجود ندارد.

Нечего ждать. چیزی برای انتظار کشیدن وجود ندارد.

Тебе незачем ехать к нему. لزومی ندارد تو به پیش او بروی.

همان گونه که می‌دانید، قید در زبان روسی صرف نمی‌شود، از همین رو اتصال پیشوند *не* موجب تغییر در ساختار واژه قیدها نمی‌شود: *незачем* (لزومی ندارد)، *негде* (جا... نیست، در هیچ جا)، *некуда* (به هیچ جا). درباره ضمایر منفی باید گفت، که تنها در حالات صرفی مفعول مستقیم و به‌ای است که این جزء به صورت متصل نوشته می‌شود: *некого* (هیچ کس) و *некому* (به هیچ کس). در سایر حالت‌های صرفی، همان گونه که گفته شد، جزء منفی‌ساز به صورت منفصل می‌آید، برای مثال: حالت دری همراه حرف اضافه *о* (درباره): *не о ком* (درباره هیچ کس)، حالت بایی همراه حرف اضافه *с* (با): *не с кем* (با هیچ کس). این گونه ضمایر در حالات صرفی فاعلی و اضافی به کار نمی‌روند.

نباید ضمایر نامشخصی (*неопределенные местоимения*) را که به کمک پیشوند *не*-ساخته می‌شوند همانند *некто* (کسی، شخصی) با ضمایری منفی (*отрицательные местоимения*) که به کمک همان پیشوند ساخته می‌شوند، اشتباه گرفت. باید یادآوری کرد که برخی از ضمایر نامشخص با ضمایر منفی متشابه‌اند (*омоним*)، همانند: *некогда* که به معنی «نیود وقت» و *некогда* به معنی «وقتی»، «زمانی» است و اولی بر معنای نفی و دومی بر نامشخص بودن دلالت دارد.

پیشوند دیگری که برای ساخت ضمایر و قیدهای منفی به کار می‌رود، پیشوند *ни*- است. اگر بخواهیم این پیشوند را با وند *не*- مقایسه کنیم، باید قبل از هر چیز به کاربرد آن در

ساختارهای جملات فاعلی (личные предложения) اشاره داشته باشیم. به عبارت دیگر، فاعل منطقی این جملات، برخلاف جملات بدون شخص، در حالت صرفی فاعلی قرار می‌گیرد. فعل نیز به صورت صرف شده و به همراه جزء منفی ساز не می‌آید. برخلاف не-، ضمائر در شکل منفی باوند -ни در همه حالات صرفی، از جمله حالت فاعلی به کار می‌روند، همانند: никто (هیچ کس)، никого (هیچ کس را)، ни с кем (با هیچ کس) و غيره. (همان، ۲۹) این پیشوند به برخی قیدها پیوسته و از آنها شکل منفی می‌سازد، به مانند: нигде (در هیچ جا)، никуда (به هیچ جا)، ниоткуда (از هیچ جا)، никогда (هرگز، هیچ وقت)، нисколько (اصلاً، هیچ). (پولکینا، ۴۲۱).

Нигде не нашёл значение этого слова.

در هیچ جا معنی این لغت را پیدا نکردم.

Никак не мог решить эту задачу.

هیچ گاه نتوانستم این مسئله را حل کنم.

Никогда не был в Москве.

هرگز در مسکو نبوده‌ام.

ضمائر никто (هیچ کس)، ничто (هیچ چیز)، никакой (هیچ کدام، هیچ یک)، ничей (مال هیچ کس) در ساختارهای منفی با جزء не و یا با کلمات нет (نبودن، وجود نداشتن)، нельзя (نباید، نمی‌توان)، невозможно (ممکن نیست) همراه می‌شوند. (گلازونوا، ۱۶۹)

В это время в лаборатории никого нельзя застать на месте. (همان)

در این موقع هیچ کس را نمی‌شود سر جایش پیدا کرد.

در گفتار عامیانه و نیز در شکل مصدری، فعل به عنوان خبر در مفهوم «نباید» (не надо)

استفاده می‌شود. (همان، ۱۷۳)

Я ей растолкую, что ей нечего меня стыдиться. (И. Тургенев)

من به او تفهیم می‌کنم، که او نباید از من خجالت بکشد.

بعد از افعال متعدی منفی، یعنی افعال دارای جزء منفی ساز не، مفعول می‌تواند در دو

حالت صرفی مفعول مستقیم (винительный падеж) و یا حالت اضافی (родительный

падеж) قرار گیرد. کاربرد هر دو حالت صرفی از دیدگاه زبان‌شناسان درست و صحیح است.

تفاوت اصلی در کاربرد حالت مفعول مستقیم در گفتار و حالت اضافی در نوشتار است.

(والودینا، ۱۳) برخی عوامل زبانی نیز در ساختارهای نحوی وجود دارند که لزوماً کاربرد تنها یکی از این دو حالت صرفی را می‌طلبند. این عوامل عبارتند از معنای فعل (فعل متعدی و لازم، فعل‌های بیان‌کننده معانی ادراک (восприятие)، تفکر (мышление) و ...)، معنای مفعول (اسم خاص و یا اسم با معنای مجازی)، عوامل سبک‌شناختی (سبک نوشتار و سبک گفتار) و بسیاری موارد دیگر است. تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته بر روی متون مختلف نشان می‌دهد، که در برخی ساختارها تنها کاربرد حالت اضافی و در برخی دیگر تنها کاربرد حالت مفعول مستقیم صحیح می‌باشد. در پاره‌ای موارد هم، کاربرد هر دو حالت صرفی اختیاری است.

در صورتی که مفعول این افعال در حالت اضافی قرار بگیرد، میزان منفی بودن فعل تشدید می‌شود و اگر اسم در حالت مفعول مستقیم قرار بگیرد، معنی جزء منفی‌ساز کم رنگ‌تر می‌شود. شرایطی که حالت اضافی بعد از فعل متعدی منفی می‌آید، مختلف است و برای تعیین آن باید به عوامل مختلف معنایی و نحوی توجه داشت، که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- اگر با ساختار نحوی مواجه باشیم که جزء منفی‌ساز منفصل ни قبل از مفعول آمده باشد، در آن صورت قرار گرفتن مفعول در حالت صرفی اضافی الزامی است:

Иван не купил ни одной книги по химии.

او یک کتاب شیمی هم نخرید.

- اگر با ساختاری نحوی مواجه شویم، که جزء منفی‌ساز متصل ни- قبل از قید جمله آمده باشد، در آن صورت مفعول جمله در حالت اضافی قرار می‌گیرد:

Нисколько не трудно писать новых слов.

اصلاً نوشتن کلمات جدید دشوار نیست.

از عوامل فعلی که در تعیین حالت صرفی مفعول تأثیر گذارند می‌توان به معنای فعل اشاره داشت:

معمولاً با افعال در بردارنده معانی زیر، مفعول در حالت اضافی قرار می‌گیرد:

الف) افعال بیان‌کننده معنای «ادراک»، مانند видеть (دیدن)؛ слышать (شنیدن)، знать (دانستن)، понимать (فهمیدن):

Иван не понимает классической музыки.

ایوان موسیقی کلاسیک را درک نمی‌کند.

Иван не видел музея великого жужожника.

ایوان موزه هنرمند بزرگ را ندیده است.

Иван не слышал печали в ее словах.

ایوان غمی را که در واژگان او نهفته، درک نکرد.

ب) افعال بیان کننده معنای «تفکر»، مانند думать (فکر کردن):

Иван не думал плохого.

ایوان بد فکر نکرد.

پ) افعال بیان کننده معنای «آرزو»، مانند желать (آرزو کردن)، хотеть (خواستن)؛

Иван не хочет билета в театр.

ایوان بلیط تئاتر را نمی‌خواهد.

ت) افعال بیان کننده معنای «انتظار»، مانند ожидать (انتظار داشتن، منتظر بودن).

Иван не ожидает положительных результатов.

ایوان انتظار نتایج مثبت را ندارد.

- در صورتی که اسم دارای معنای مجازی و پس از فعل منفی آمده باشد، در حالت

اضافی قرار می‌گیرد:

Не найти себе места. (میناکوا، ۲۸)

آرام و قرار نداشتن.

Выеденного яйца не стоит. (همان، ۶۴)

به پیشیزی هم نمی‌ارزد.

Не принимать участия.

شرکت نکردن.

Не обращать внимания.

توجه نکردن.

در صورتی که فعل جمله یکی از افعال متعدی (داشتن)، получать (دریافت

کردن) و доставать (برداشتن، بیرون آوردن، به‌دست آوردن، گیرآوردن) باشد، مفعول در

حالت اضافی قرار می‌گیرد:

Иван не получил ответа.

ایوان پاسخ را دریافت نکرد.

در این صورت، قدرت معنایی افعال فوق، بیشتر از قدرت معنایی مشخص بودن

(конкретное значение) و یا مجازی بودن (отвлеченное значение) معنای مفعول است:

Иван не получил письма.

ایوان نامه را دریافت نکرد.

عوامل مؤثر بر کاربرد حالت صرفی مفعول مستقیم بعد از افعال متعدی منفی، عبارتند از:

- در صورتی که مفعول جمله به کمک کلماتی در ساختار نحوی مشخص و تعریف شود.

این کلمات می‌توانند ضمائر اشاره به دور و نزدیک، کلمه **который** و صفات توضیحی و امثال آن باشند:

Иван не любит эту музыку. ایوان این موسیقی را دوست ندارد.

Иван не любит музыку, которую сейчас передают по-радио.

ایوان موزیکی را که هم اینک از رادیو پخش می‌شود، دوست ندارد.

Иван не любит классическую музыку. ایوان موسیقی کلاسیک را دوست ندارد.

- جاندار و بی‌جان بودن مفعول نیز فاکتور مهمی در تعیین حالت صرفی مفعول دارد. در صورتی که مفعول بر اسم جاندار دلالت داشته باشد، از حالت صرفی مفعول مستقیم استفاده می‌کنیم:

Анна не любит свою подругу. آنا دوستش را دوست ندارد.

- همچنین اگر مفعول جمله اسم خاص باشد، در حالت صرفی مفعول مستقیم قرار می‌گیرد:

Анна не любит Марину. آنا مارینا را دوست ندارد.

در این صورت اگر فعل جمله از گروه افعال ادراکی باشد، کاربرد مفعول در حالت اضافی بدون مانع است:

Анна не любит Марины. آنا مارینا را دوست ندارد.

- اسامی جغرافیایی و یا نجومی در حالت مفعول مستقیم قرار می‌گیرند:

Иван не знает Москву. ایوان مسکو را نمی‌شناسد.

Иван не нашёл на небе большую Медведицу. ایوان دب اکبر را در آسمان نیافت.

ترتیب قرار گرفتن اعضای ساختار نحوی نیز در تعیین حالت صرفی نقش دارد. چنانچه مفعول قبل از فعل منفی واقع شده باشد، بار منفی فعل بر روی آن کمتر شده و در نتیجه در حالت مفعول مستقیم قرار می‌گیرد:

Не дали им письма. نامه را به آنها ندادند.

Письмо им не дали. نامه را به آنها ندادند.

- در صورتی که خبر جمله در وجه امری آمده باشد، اسم در حالت مفعول مستقیم قرار

می‌گیرد:

Не скажи лишние слова. حرف اضافی نزن.

- اگر برای خبر جمله از شکل مطلق فعل با معنای «کامل بودن عمل» و یا «نتیجه عمل»

استفاده شده باشد، اسم در حالت مفعول مستقیم قرار می‌گیرد:

Иван не сказал лишние слова. ایوان حرف اضافه نزد.

- در صورتی که خبر جمله از دو فعل کمکی و اصلی تشکیل شده باشد و هر دو آنها

دارای جزء منفی ساز не باشند، اسم در حالت مفعول مستقیم قرار می‌گیرد:

Иван не может не сказать правду всем. ایوان نمی‌تواند حقیقت را به همه نگوید.

اگر در ساختار نحوی کلمه‌ای (۳) وجود داشته باشد، که از نظر معنایی همزمان هم به

مفعول (۲) و هم به خبر جمله (۱) مرتبط باشد، اسم در حالت مفعول مستقیم به کار می‌رود:

Друзья не считают этот вопрос нерешаемым.



دوستان این مسئله را غیر قابل حل نمی‌دانند.

- عموماً در ساختار نحوی «جزء منفی не همراه فعل کمکی» به علاوه «شکل مصدری

فعل متعدی»، ارتباط مفعول (۳) با فعل کمکی منفی (۱) گسسته شده و شکل مصدری فعل

اصلی (۲) تعیین کننده حالت صرفی مفعول است:

Иван не мог решить упражнение. ایوان نتوانست تمرین را حل کند.

1 2 3

در این صورت گاهی حالت اضافی نیز به کار می‌رود:

Иван не мог решить упражнения. ایوان نتوانست تمرین را حل کند.

نتیجه

هر چند پیشوندهای منفی ساز همگی بر نفی معنای واژگانی ریشه دلالت دارند، لیکن با توجه به تأثیر فاکتورهای معنایی، صرفی، نحوی و ... شرایط کاربرد هر یک از اجزاء فوق متفاوت است. گاهی در برخی موارد بعضی از این علامت‌های نفی شبیه و یا یکسان به نظر می‌آیند، برای مثال ساخت اسامی، صفات و قیده‌های منفی به کمک دو پیشوند без-|бес- و не-، به عبارت دیگر، علی‌رغم شباهت ظاهری، این دو وند برابر و یکسان نیستند، چرا که اگر این گونه بود، نایستی با تفاوت معنایی به ویژه در پیوند این وندها به واژه‌هایی، که دارای

ریشه و پسوند یکسانند، مواجه می‌شدیم. بنابراین بایستی میان کاربرد پیشوند *без-|бес-* و *не-* برای نفی کلمات تفاوت قائل شد، هر چند در تعداد محدودی از کلمات این دو، هم معنا باشند: *беспрерывный* (بی‌وقفه) و *непрерывный* (بی‌وقفه).

مورد دیگری، که باید درباره‌ی وندهای منفی‌ساز به آن توجه نشان داد، ساختار نحوی جملات دارای قیده‌ها و ضمایر منفی است، که به کمک *ни-* و *не-* ساخته می‌شوند. تأثیر این وندها بر روی ساختمان نحوی جمله به حدی است، که یکی جمله‌ی فاعلی و دیگری جمله‌ی بی‌شخص می‌سازد.

سرانجام تأثیر جزء منفی‌ساز *не* قبل از فعل متعدی، بر ساختارهای نحوی (حالت صرفی مفعول) بسیار بحث بر انگیز است. عوامل زبانی مختلفی در تعیین این هدایت صرفی می‌توانند نقش داشته باشند، که از آن جمله می‌توان از معنای اجزاء تشکیل دهنده ساختار نحوی، ترتیب قرارگیری اعضاء، نوع جمله، سبک و نام برد.

کتاب‌شناسی

- Володина, Г.И. и др. (1990). *Русский язык*. М.: изд-во Русский язык.
- Глазунова, О.И. (2003). *Грамматика русского языка. Морфология*. Санкт-Петербург: изд-во Златоуст.
- Дерягина, С.И. Е.В Мартыненко. (2003). *Учебно-справочное пособие по лексике русского языка*. М.: изд-во Русский язык.
- Касаткина, Л.Л. (2001). *Русский язык*. М.: изд-во Академа.
- Минакова, Е.Е. (2005). *Современная русская идиоматика*. М.: изд-во Русский язык.
- Ольхова, Л.Н. (2004). *Как сказать «НЕТ» (выражение отрицания в русском языке)*. Санкт-Петербург: изд-во Златоуст.
- Пулькина, И.М. Е.Б Захава-Некрасова. (1968). *Учебник русского языка для студентов-иностранцев*. М.: изд-во Высшая школа.